

## دادگستری در ایران از انقراض ساسانی تا ابتدای مشروطیت

(۶)

طرح دعوی و تنفیذ حکم در شأن دیوان بیگی بود و حکام شرع بطور مستقیم نمیتوانستند به این قضایای چهارگانه رسیدگی کنند.

این ترتیب اقتباسی بود که از ترکیب مجلس یارغوی مغولی بادیوان مظالم دوره خلافت عباسی (که صورت کامل آن را درو صف جغرافیائی شهر نیشابور از قول سیاحی قبلا نشان دادیم) گرفته شده و صورت مستقل تازه ای پیدا کرده بود. منتهی بجای امیر و وزیر و سپهسالار و خلیفه و سلطان که قبلا در مجلس مظالم حضور پیدا میکردند، اینجا يك مقام رسمی که به اعتبار تشکیلات مملکتی در درجه اول از اهمیت شناخته میشد بطور مستقل و مستمر مامور انجام این وظیفه میشد و چون احکام صادر در باره احداث اربعه، در مرحله تنفیذ محتاج به قدرت و استطاعت کافی بود، رسیدگی بدین امور که از نظر موضوعی تنها در حدود صلاحیت قاضی بود، به نظارت دیوان بیگی موکول شده بود.

### اختیارات دیوان بیگی

دیوان بیگی که در آغاز امر حدود وظیفه او محدود به همکاری با صدر در حوادث چهارگانه بود متدرجا حوزه اختیارات او گسترش یافت، چنانکه در اواخر صفویه مرجع نهائی رسیدگی به تظلم رعایا از کلیه عمال دولت شناخته میشد و بطور کلی میتوان

اختیارات دیوان بیگی را چنین خلاصه کرد :

- ۱- رسیدگی به کلیه جنایاتی که در سراسر ایران اتفاق می افتاد .
- ۲- اجرای کلیه احکام شرعی که محکوم با رضای خاطر حاضر به تنفیذ آن نمیشد .
- ۳- گرفتن شکایات مردم از مأمورین دولتی و ارجاع آن به مراجع مختص و نظارت بر رسیدگی بدانها .

- ۴- کسانی که از مقامات عالیه همچون والیان و بیگلر بگیان و امرای عظام و مقرران و بستگان حضرت سلطنت شکایتی داشتند و از دور و نزدیک به درگاه شاهی می آمدند شکایات ایشان را میگرفت و به عرض شاه میرسانید و کسب تکلیف میکرد .

### صدر خاصه

در مقابل صدر عامه که در حقیقت صدر ممالک محروسه بود صدر دیگری وجود داشت که به وظایفی مشابه و نظایف صدر عامه، در قلمرو ولایات خاصه پادشاهی می پرداخت. ولایات خاصه شاهی شامل یزد و ابرق و نائین و اردستان و قمشه و نطنز و محلات و دیلیجان و خوانسار و بروجرد و فریدن و دار و مزدجو و کیار و چابلق و گلپایگان و فراهان و کاشان و قم و ساوه و مازندران و استرآباد و کراپلی و حاجیلر بود و امور اداری این ولایات از حیث پرداخت مالیات و خدمت سربازی و مقررات دیگر از امور سایر نواحی کشور که عنوان ممالک محروسه ایران را داشت مجزا و مستقیماً به شاه مربوط میشد . به همین مناسبت کار قضاوت و امور شرعی آنها نیز بر عهده مرجع شرعی خاصی قرار میگرفت که او را صدر خاصه میخواندند .

### جمع دو مقام

گاهی اتفاق می افتاد که یک نفر جامع هر دو مقام صدر عامه و خاصه میشد، ولی بیشتر اوقات تصدی آنها از هم جدا بود . صدر خاصه هر روز شنبه و یکشنبه از هفته را با دیوان بیگی در کشیکخانه می نشست و به کارهای حوزه عمل خود میرسید و صدر عامه در روزهای دیگر هفته با دیوان بیگی کار میکرد .

### نایب‌الصدر

چون تعیین قضاوت و متصدیان امور شرعیه در سراسر ممالک محروسه بجز ولایات خاصه بر عهده صدر عامه بود کسانی هم که در ولایات متصدی اینگونه امور بودند همه نواب صدر الممالک محسوب میشدند و به همین ترتیب که در کلیه ولایات و ایالات یا به تعبیر قدیمی ممالک محروسه، نایب‌الصدری برای صدر عامه بود، صدر خاصه نیز در قلمرو مأموریت خود نایب‌الصدر خاصه داشت.

### قاضی اصفهان

در مناصب شرعی ممالک محروسه، قاضی اصفهان که بالاترین مقام قضاوت را داشت در طول ایام هفته درون خانه خود به رسیدگی دعاوی شرعی و برونق قواعد شریعت مظهر مشغول بود. در زمان قضاوت شیخ جعفر کلپایگانی که پس از ملا محمد باقر مجلسی شیخ الاسلام اصفهان شد حوزه کار قضائی اصفهان از حدود قبلی گسترده شد و شامل حفظ حقوق ایتم و ضبط اموال غایب گردید و تقریباً کار قضاوت در عهد تصدی او بهمان اهمیت درجه و وسعت حوزه عهد قدیم خود رسید.

### شیخ الاسلام

شیخ الاسلام اصفهان در حقیقت جانشین محاسب قدیم محسوب میشد و وظایف خاصه او را که امر بمعروف و نهی از منکر میباشدا انجام میداد و بدین ترتیب وظیفه احتساب که جزو منصب شیخ الاسلامی بود در زمان تصدی شیخ جعفر قاضی اصفهان بهمان مقامی رسید که در صده سوم و چهارم هجری داشت.

### قاضی عسکر

مقام قاضی لشکر که در عهد سلجوقی بنا به ضرورت زندگانی ایلخانی برای ترکان غز بوجود آمده بود و در روزگار مغول امیر یارغوان و وظیفه را انجام میداد پیش از عهد صفویه به صورت مقام قاضی عسکری در آمده بود.

قاضی عسکر در سفرهای نظامی غالباً همراه اردوی شاهی میرفت و در حل و فصل

مشکلات مربوط به اجرای احکام شرعیه در مورد تعیین تکلیف مغلوبین و اسرا و غنائیم جنگی و اتفاقات دیگر طرف شور و صاحب رأی مطاع بود .

### قاضی عسکر در عثمانی

در کشور عثمانی اهمیت قاضی عسکر که در کار های مهم مورد شور سلاطین آل عثمان قرار میگرفت بیش از میزان متعارف در ایران بود و انعکاس این امر بود که در تشکیلات قضائی ایران پس از افزایش روابط صلح و جنگ، عنوان قاضی عسکری را داخل تشکیلات عهد صفوی کرد .

### کار قاضی عسکر در ایران

در ایران عمل قاضی عسکر از مشاوره بادیوان بیگی آغاز میشد و سپس از مداخله در پرداخت تنخواه یا حقوق سربازان تجاوز نمیکرد و نقش مهر او در پشت حواله پرداخت حقوق سربازان، بیش از وجود او در تقو و تنق کارها مؤثر بود .

### تداخل اختیارات شرعی و عرفی و ظهور ملاباشی

اشترك عمل قضاوت در میان امرای دیوان و ققهای سرشناس در گاه شاهی با علمای دیگر، زمینه مساعدی برای تداخل صلاحیتهای شرعی و عرفی فراهم کرد و در نتیجه این آمیختگی کاردین و دینا یا شریعت و سیاست هرج و مرجی به وجود آورد و توانست به ملاباشی که يك مقام ساده درباری بود، مجال آن را بدهد که با صدر و قاضی و شیخ الاسلام رقابت کند و این نفوذ ملاباشی را باید یکی از عوامل انحطاط حکومت صفویه در زمان شاه سلطان حسین بشمار آورد که سرانجام به غلبه افغانان منجر شد .

### قضاوت بعد از صفویه

از فتح اصفهان بدست محمود افغان تا انعقاد عهدنامه تر کمانچای میان روس و فتحعلی شاه، برای کشور ایران فاصله زمانی دردناک و پوررنج و گدازی بوجود آمد که اگر شخصیت نظامی معرفتی همچون نادر هم در این اثنا چون شمله ای بر خاست و فرو نشست، بهره و ملک ملت ایران از پیروزیهای او بیش از ویرانی و سوختگی و پیریشانی و بیسر و

سامانی نبود و کارها در این فاصله کمتر بر موازین شرعی و قانونی انجام میگرفت، بلکه آنچه دلخواه حاکم روز بود صورت وقوع میپذیرفت.

### آسیا میگردد

منتهی نکته جالب توجهی که در مسیر طولانی تاریخ ایران همواره ملحوظ بوده و میتواند مورد توجه مخصوص پژوهندگان قرار گیرد این است که مردم این کشور همواره بروفق سنن دیرینه، امور خود را دور از تصور خوب و زشت یا انتظار نیک و بد از حاکم خود انجام میدادند.

تنظیم اسناد و رسیدگی به دعاوی و حل و فصل آنها در هر محلی بوسیله علمای دین که حاکم شرع شناخته میشدند کما فی السابق انجام میگرفت و هر جا دخالت حاکم عرف یا دیوان ضرورت پیدا میکرد، بی آنکه عنوان قضاوت عرفی داشته باشد، بروفق سنن دیرینه از روی کد خدا منشی و ریش سفیدی کارها کم و بیش، انجام میپذیرفت.

### بقاء روح دیانت و قضاوت اسلامی

نکته‌ای که باید در نظر گرفت با وجود سیر نزولی تدریجی که سالیان درازی بود در کلیه مظاهر زندگی مادی و معنوی کشور به طور روز افزون دیده میشد، باز دستگاه قضاوت جاری در همان مقیاس سنتی محدود و متزلزل خود بر دو پایه ثابت دیرینه قرار گرفته بود:

یکی تطبیق مسائل و قضایا بر موازین شرعی که از دوره صفویه ببعده با تعلیمات مذهب جعفری موافق بود.

دیگری ارجاع و بازگشت کلیه قضایایی که طرفین آن اختلاف جنسیت و زبان و دین و تبعیت داشتند به همان مراجع ملی که کارهای عادی داخلی را قطع و فصل میکردند.

### صفویه و عیسویان

بعبارت دیگر پادشاهان صفویه که بیش از سلاطین عثمانی نسبت به اتباع دول اروپائی و مسیحیان قلمرو وسیع حکومت خود ابراز عنایت و مراعات جانب میکردند در

مسئله رسیدگی به دعاوی حقوقی آنها هرگز اشتباه سلطان سلیمان قانونی و جانشینان او را مرتکب نشدند و بهیچ کشور خارجی، هر چند رعایت جانب او را در نظر داشتند، در تحت هیچگونه اوضاع و احوالی اجازه یا حق مداخله در اموری را نمیدادند که محل اتفاق آنها در قلمرو حکومت ایران و تشخیص آن در حدود صلاحیت قاضی شیعه بود و احیاناً اگر امتیازی فوق العاده در موردی منظور میافتاد مشروط به مقابله بمثل و اختصاصی و محدود به حدود معینی بود و هیچ دولت خارجی نمیتوانست بیپناه‌ای همچون «کامله الوداد» و «متحابه» و «متحد» نظیر این مراعات را مطالبه نماید.

### لطمه‌های اساسی ترکمانچای

تا آنکه جنگ ایران با روسیه بر سر گرجستان آغاز شد و ولایات ماورای دریای خزر و رود ارس به دست روسها افتاد و پس از سالها چالش و آزمایش و کشمکش، سرانجام فتحعلی شاه ناگزیر از قبول عهدنامه ترکمانچای شد. این عهدنامه علاوه بر زیانهای مادی و معنوی بسیاری که در برداشت و خسارت جبران ناپذیر اساسی بر ملک و ملت ایران وارد آورد:

### قبول حمایت تزار و قضاوت خارجی

یکی قبول حمایت ضمنی تزار روسیه از ولیمهدی عباس میرزا و اخلاف او بود که در حقیقت تاج سلطنت قاجاریه را در گرو عنایت و حمایت تزار قرار میداد و دیگری قبول قضاوت خارجی در داخله کشور بود که در حقیقت بامبانی اساسی دینی و عقاید مذهبی مردم ایران منافات داشت.

### کاپیتولاسیون و حکومت اسلامی

در ممالک اسلامی از عهد خلفای راشدین تا روزی که سلطان سلیمان قانونی پادشاه عثمانی نقض سنت سلف را کرد، همواره رسیدگی و قضاوت در میان پیروان مذاهب مسلمانان مقیم سرزمین اسلام حق مسلم حکومتی بود که در داخله زمام امور را در دست داشت و قاضی مسلمانان در رسیدگی به دعاوی اهل کتاب دخالت میکرد و چون

مراعات اصل عدالت و بیطرفی از عهد پیغمبر بیعد همواره منظور نظر قضا و قاضی مسلمان بود هر گز اظهار عدم رضایت یا عدم اعتماد و امتناعی در این امر از جانب اهل کتاب یا اجانب اتفاق نیفتاده بود .

### حکم بر لیه یهودی و علیه حضرت علی

وقتی شریح در دعوائی که میان حضرت علی بن ابی طالب و یکنفر یهودی بر سر زرهی پیش آمده بود چون در موقع اقامه شهود، شریح قاضی شهادت قنبر را که غلام علی بود رد کرد و نپذیرفت و حکم به حقانیت یهودی داد و برای دعوی امیر مؤمنان و شهادت گوشه جگر پیغمبر حسن بن علی در قضاوت شرعی ارزش بیش از قول یک مدعی و یک شاهد عادی نابالغ قائل نشد و شاهد دوم را رد کرد ، بدین طریق ارزش فوق العاده عدالت را در اسلام مسجل کرد .

### عمر عبدالعزیز و قضاوت درباره اهل ذمه

۱- در بیمانی که میان صفرونیوس پاتریارک بزرگ ایلیا یا اورشلیم با خلیفه عمر برای تسلیم شهر بیت المقدس به سپاه اسلام بسته شد ، شرط شده بود که مسلمانان هرگز به یهودیان اجازه توقف در آن شهر را ندهند. زیرا قرینها بود که یهود از طرف دولت مسیحی روم، از توقف بلکه سفروزیارت قدس ممنوع بودند .

خلیفه اسلام شرط عدم مسافرت و منع زیارت ایشان را کردن نهاد ولی قید عدم سکونت دائمی را پذیرفت .

بعد از آن به هر روز زمان عده ای از یهودیان که پروانه زیارت بدست آورده بودند توقف موقتی را به اقامت تبدیل کردند و این امر مورد شکایت طرف مغلوب عهدنامه که عیسویان بومی اورشلیم بودند قرار گرفت . تا روزگار عمر عبدالعزیز این امر بصورت مبهم باقی ماند. عمر عبدالعزیز بعد از رسیدگی دستور داد قرار اصلی اجرا شود و کسانی که از یهود بر خلاف تعهد مسلمانان در قدس ساکن شده اند شهر را ترک گویند تا عدالت اجرا شود.

۲- در زمان همین خلیفه، عیسویان به او شکایت بردند که زمین کلیسائی بر خلاف

عهد قدیم از طرف مسلمانان اشغال شده است، پس از رسیدگی دستور داد زمین کلیسا بعیسویان پس داده شود.

۳- داستان تسلیم شهر سمرقند به مردم آن پس از رسیدگی از طرف همین خلیفه به تفصیل از پیش گفته شد.

### استحکام مبانی عدالت اسلامی

اینگونه قضاوت و تکرار آن در هر عصر وزمانی از طرف مراجع عدالت اسلامی چون در هیچ کیش و آئین دیگری منظور و مجری نبود و چنین سماحت خاطر در مراجع غیر مسلمان به ندرت مشهود می افتاد، از یکسو اعتماد پیروان مذاهب دیگر را در داخله ممالک اسلامی به دستگاه قضاوت موجود جلب کرده بود و از طرف دیگر مسلمانان را به اتکای جانبداری از عدالت در حفظ اجرای این حق جرأت میبخشید بنابراین دخالت در کار قضاوت از طرف بیگانگان از ملک و ملت امری معتبر و در حکم پایه‌ای از پایه‌های استقلال مملکت شناخته میشد.

### عمل خلاف شرع

این عمل خلاف شرع یا فضاحت حقوقی و سرشکستگی قضائی یا شکست استقلال ایران، همان چیزی بود که به عنوان کاپیتولاسیون یا حکومت قنسولها از زمان فتحعلی شاه آغاز گشت تا سال ۱۳۰۴ شمسی هجری برقرار و معمول بود.

### قضاوت کنسولهای اجنبی

همین قدر باید گفت اعطای چنین حق شومی که پس از انعقاد کاپیتولاسیون، متدرجاً از روسیه به انگلستان و فرانسه و عثمانی و همه دولت‌های دیگر جهان انتقال یافت و به عنوان «کامله الوداد» به هر کنسول بیگانه‌ای اجازه میداد که به بهانه حق حمایت از اتباع کشور متبوع در کارهای قضائی کشور مداخله کند، آری این آشفتگی وضع قضائی در مدت یکصدسال بزرگترین سدره تحول اوضاع حقوقی و اصلاح قوانین کشوری بود و چون در دنباله‌ها اصلاح لازمی ناگزیر بر خط مسیر حرکت فکری به مصالح